

برای رفع این بلا به آسمان نظر مکن!

دنیا عجیبی است؛ نه؟! کسی که به جلاad مطبوعات در ایران معروف است کسی که در جمهوری اسلامی هم دادستان است هم بازجو و هم شکنجه گر است و هم قاضی و یکی از عامرین اصلی سرکوب‌ها، خانه‌گردیها، اعدامها و سنگسارهاست و دردادگاه‌های کانادا به خاطر دست داشتن قتل روزنامه نگار زهراء کاظمی برایش پرونده جنائی تشکیل شده است، به جای دستگیری و محکمه ساز شورای حقوق بشر سازمان ملل در بیاورد و به دیگران درس رعایت حقوق بشر بدهد؟ نه؛ جای هیچ‌گونه تعجب و تاسفی نیست! در دنیائی که برمhor پول و سرمایه و سود می‌خرد هر روز شاهد جنایات بی شماری هستیم که برعلیه بشیریت صورت می‌گیرد. آمرین و عاملین این جنایات تازمانیکه برای سود سرمایه مفید فایده اند و خود به منعی برای گردش آن تبدیل نشده اند. جلوی چشم قربانیان خود و همین بشیریت؛ صریمور و گنده می‌خرند و گاه که دیگر گندش را در می‌اورند، زود جایه جایشان می‌کنند، از جلوی چشم برش میدارند و پست و مقام نان واب تری برایش میدهند. و درصورتیکه مثل مورد اخیر و موارد مشابه دیگری که پای دولت‌های خارجی پیش بیاید وجه المصالحه قرار می‌گیرند و نظیر قاتلین دکتر رجوی، دکتر بختیار، فریدن فرخزاد و دکتر سعید و دستگیر می‌کنند و به جای محکمه برمی‌گردانند تا در پست‌های دیگر ابقا شوند و سپس با بدبه و کبکه تحت عنوانی نظیر سفیر کبیر ووابسته فرهنگی و اقتصادی و غیره در فرودگاه‌های همان کشورهایی مورد استقبال قرار گیرند که روزی در آنجا به جرم قتل و ادم ریائی دستگیر شده بودند.

جنایتکاران جنگی

می‌گویند جنایتکاران جنگی "بوش و بلر"

۷۰۰ هزار کودکان کار!! آیا درسی هست؟

را زندانی کنید! این شعريست که روی عکس زیر نوشته شده است! گذشته از آنکه به "کدام زندان؟" زندانهای سرمایه داری؟ و تازه آیا مگر زندانی کردن این قاتلان بشیریت چاره کارست؟ مگر امثال "بوش و بلر" ها را شرایط تولید سرمایه داری کم هر روز به "بازار" مشاطه کاری عرضه می‌کند؟ آیا زندانی کردن بوش و بلر همه درد های کسانی که با خشم از جنایات رخداد در این جنگ از خانه هایشان بیرون ریخته اند را تسکین می‌دهد؟ آیا درمان این نیست که هر چه مصمم تر در راستای آگاهی توده ها و طبقه کارگر برای اماده شدن و به میدان مبارزه امدن برای نابودی کل سیستم امپریالیستی و نوکرانش در سراسر جهان پیا خیزیم؟

کودکانیکه به جای نشستن پشت میز مدرسه در کوره پرخانه ها، در مزارع، در خانه، در کارهای ساختمانی، در معادن و کارگاه هائی که در انها از هیچ‌گونه بهداشت و اینمی محیط کار خبری نیست... باید از کله صبح تا شام کارکنند همانجا بخوابند یا در کوچه پس کوچه ها طعمه شکارچیان کودک و باند های مافیای قاچاق شوند. هیچ‌کدام اینها نشد در کوچه و خیابان پرسه بزنند، ماشین شوئی، نشد تکدی، داخل شدن به باندهای قاچاق مواد مخدر و دزدی وبالاخره با آینده ای تیره و تار در گوشه ای با شکمی گرسنه و بادردهای نهفته در قلب کودکانه همراه با درترس و لرز سربرروی سنگی نهاده و شب را سحرکنند. کودکانی که گویا بدنیا امده اند تا زجریکشند و ستم بینند.

چنین است وضعیت طبق آمار رسمی بیش از ۷۰۰۰۰۰ هزار کودک نگون بخت در جامعه سرمایه داری ایران که روزی بیش از ۳ میلیون بشکه نفت از قرار بشکه ای ۷۰ دلار به فروش می‌رسانند و طبق اظهارات مقامات رسمی از این هفت‌صد هزار نفر از کودکان کار فقط هفت هزار نفر توسعه بهزیستی سازماندهی شده اند؛ خود حدیث مفصل بخوان از این مجلمل! گزارش زیر تنها به گوشه ای از واقعیت کودکان کار پرداخته است. باهم بخوانیم و فکری برای نجات آنها بکنیم.

این گوشه ای از جنایات ضد انسانی ای است که امپریالیست ها، آمریکا و انگلیس، توسط چماق شان "اسراییل" بر علیه توده های ستمدیده اعمال می‌کنند تا ضمن حفظ و گسترش

سلطه خود با به جیب زدن سودهای نجومی از

فروش بمب و اسلحه و دیگر ابزار کشتار جیب های خود را پر تر سازند.

اینکه عواقب بعدی سلاح های مرگبار و بمب های شمیایی که اسرائیل به کار می‌برد چیست در این چند سطر نمی‌گنجد! اما چیزی که امروز در مقابل همه انسانهای مبارز قرار گرفته است افشاری هرچه بیشتر ماهیت نوکران امپریالیسم، یعنی

ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

به درآمد آنها وابسته هستند.

برقرار باد جمهوری اسلامی

باز می‌گردد و بیش از ۹۰ درصد آنها ارتباط مستقیم با خانواده دارند که این خانواده ممکن است نابسامان باشند که باید بر توانمندسازی آن تأکید کرد.

وی یادآور شد: نباید فراموش کرد که خانواده در تعامل با کل جامعه است و از آنجایی که میانگین بعد خانوار کودکان کار و خیابان ۷ نفر است، سرپرست خانواده قادر به تأمین معاش خانواده نبوده و در نتیجه نیازمند درآمد کودک خود است.

به گفته رضایی فر این شرایط برای خانواده‌های نابسامان و معتمد به مراتب سخت‌تر است.

معاون دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی با بیان این که امسال ۲ میلیارد و ۳۵۰ هزار تومان اعتبار جهت اجرای آینه نامه ساماندهی کودکان کار اختصاص یافته است، افزود: در صورت امضای موافقنامه‌های بودجه ظرف دو هفته آینده، امیدواریم در سال جاری خدمات رسانی به کودکان کار و خیابان با کیفیت بهتری در استانها انجام شود.

به گفته وی این اعتبار بین استانها بر اساس تعداد کودکان کار و خیابان و مراکز فعال این کودکان توزیع می شود.

اصمدهی، مدیرکل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی نیز خاطرنشان کرد: علت اصلی ورود کودکان به خیابان، فقر خانواده‌های آنهاست، لذا توانمندسازی و تلاش در جهت حمایت‌های مالی از این خانواده‌ها اهمیت بسیاری دارد.

وی یاد آور شد: دستگاههای مختلف از جمله وزارت کار و امور اجتماعی در جهت ایجاد اشتغال برای خانواده‌های کودکان کار و وزارت آموزش و پرورش برای تسهیل شرایط تحصیل این کودکان، سازمان بیمه خدمات درمانی در جهت بیمه آنها بر اساس این نامه ساماندهی کودکان کار وظایفی را عهده‌دار هستند که هماهنگی این دستگاهها در اجرای صحیح این این نامه اهمت بسیاری دارد.

// ۵۵ درصد کودکان کار و خیابان جمع‌آوری شده در سال گذشته از
افغانه به دهاند //

دکتر رضایی فر، معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در پاسخ به سؤال ایسنا در خصوص این که با توجه به نیازمند بودن خانواده‌ها به درآمد کودکان چرا شرایط سالم‌تری برای کار این کودکان فراهم نمی‌شود، افزود: با وجود منع کار کودکان زیر ۱۵ سال از سوی سازمان بین‌المللی کار، باید با دید واقع‌بینانه به این موضوع نگریست.

وی با بیان این که در مشهد شرایط مناسبی برای کار سالم کودکان فراهم شده است، افزود: در این استان کودکان کار با لباس فرم در چهارراهها به روزنامه فروشی مشغول هستند و این کودکان دارای حساب بانکی بوده و تحت پوشش بیمه حوادث هستند. مردم و پلیس نیز نسبت به فعالیت این کودکان توجیهند و این کودکان در پایان روز به مددکار موجود در یاناهگاه می‌دهند تا به حساب انها واریز شود.

معاون دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی خاطرنشان کرد: البته هر فرایندی باید با توجه به شرایط اقلیمی، فرهنگی و بافت جغرافیایی آن منطقه دیده شود.

وی با تأکید بر لزوم داشتن دید کلان در خصوص آسیب‌های اجتماعی افزود: ۵۵ درصد کودکان کار و خیابان جمع‌آوری شده در سال گذشته از افغانه بوده‌اند که باید در سطح کلان برنامه‌ریزی‌های مناسب در خصوص خروج افغانه از کشور صورت گیرد.

به گزارش ایستا، معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در خصوص امار کار سیاه کودکان، افروز: بر اساس اعلام نیروی انتظامی باند تعریف شده کار سیاه کودکان وجود ندارد، البته برخی تشکیلات سازمان یافته‌ای حدود ۲۰ نفره از کودکان هستند که در زمینه مواد مخدر

به گزارش خبرنگار «اجتماعی» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، دکتر رضایی فر، معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به وجود ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان افروز: عمله کودکان خیابانی کودک کار هستند که نیمی از آنها در امریکا و نیمی

ادامه در صفحه ۱
دیگر در افريقا و آسيا زندگى می کنند.
وی با اشاره به اين که آمار دقيقى از تعداد کودکان کار در دست نیست،
اگرود: بر اساس براوردها ۸ تا ۴۰ ميليون کودک کار در امريكا و ۳۲ تا ۱۰ ميليون کودک در برزيل زندگى می کنند و در مجموع بر اساس سازمان
جهانی کار ۲۴۶ ميليون کودک کار در جهان وجود دارد که يك سوم
آنها در کارهای سیاه مانند قاچاق مواد مخدر شاغل هستند و ۱۰۶ ميليون
کودک در کارهای سبک مشغولند.

رضایی فر خاطرنشان کرد: بر اساس سرشماری سال ۷۵ در کشور ۳۰۸ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله کار و ۳۷۰ هزار کودک کار فعلی وجود دارد که در مجموع ۷۰۰ هزار کودک کار زیر ۱۵ سال در کشور فعالیت می‌کنند.

معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره آیین‌نامه اجرایی ساماندهی کودکان کار افروزد: این آیین‌نامه سال گذشته با هدف شناسایی جذب و ساماندهی کودکان کار با تاکید بر توانمندسازی کودک کار و خانواده وی به تصویب رسید و در مهرماه به بهزیستی استانها ابلاغ شد.

وی با اشاره به چالش‌های پیش‌روی اجرایی شدن آئین‌نامه ساماندهی کودکان کار افروز: آئین‌نامه در پایان سال مالی به استانها ابلاغ شد و در زمان اوج فعالیت کودکان کار عملاً اعتبار تخصیص یافت. رضایی فر خاطرنشان کرد: سال گذشته حدود ۲ میلیارد تومان به منظور

اجرای آیین نامه ساماندهی کودکان کار اختصاص یافت.
معاون دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی افزود: نگرانی های مسؤولان استانی در اجرای مناسب این آیین نامه و همچنین وجود نیروی انسانی علاقه مند و با انگیزه موجب اصول اجرایی شدن این آیین نامه است.

// استانهای تهران، خراسان، فارس و گیلان دارای بیشترین کودک خیابانی //
// ۷ هزار کودک کار و خیابانی سال گذشته پذیرش و ساماندهی شدند //

صمدی، مدیر کل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی نیز در این نشست گفت: بر اساس این آیین نامه کودکان در سطوح مختلف پذیرش می شوند و چنانچه خانواده آنها برای پذیرش آنها مراجعت نکنند، به مرکز نگهداری سازمان بهزیستی ارجاع می شود.

به گزارش ایسنا، وی تصریح کرد: سال گذشته ۶ هزار کودک کار و یکهزار کودک خیابانی در ۴۲ مرکز کودکان خیابانی و ۶ پناهگاه کودک در سطح کشور پذیرش و ساماندهی شدند که این امار در سال ۱۴ هزار کودک بوده است.

به گفته صمدی تعداد کودکان خیابانی در استانهای مختلف متفاوت است، چنانچه استانهای تهران، خراسان، فارس و گیلان دارای بیشترین کودک خیابانی و برخی استانها مانند کهگیلویه و بویراحمد و خراسان به جای کودکان خیابانی دارای کودکان کار و فصلی هستند.

// ۳۵۰ میلیارد و هزار تومان اعتبار جهت اجرای این نامه ساماندهی کودکان کار اختصاص یافته است //

رسایی فر، معاون دفتر اسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی نیز در ادامه با اشاره به این که ۱۰ درصد کودکان کار و خیابان پذیرش شده در مراکز کودکان خیابانی رسوب می کنند، افزود: اکثریت آنها به خانواده



بنیادگر ایان جهود و مسلمان میباشد که به اسم "جنگ با یکدیگر" کودکان و کارگران را به قتل میرسانند!

و از کشتار آنان سود به جیب سرمایه داری روانه میکنند!

تک تک ما مسئول هستیم که این جنگ را محکوم کنیم به هر طریق که میتوانیم و از پیش روی آن هر چه زودتر جلوگیری کنیم!

نباید در خانه نشست بلکه باید به خیابانها رفت و در کوچه و خیابان، در محل کار و زندگی مردم در همه جا از دست داشتن مستقیم امپریالیستها در این جنگ خانمانسوز حرف زد و ناگاهان را آگاه کرده و اهداف شوم امپریالیست ها را افشا کرد!

تک تک ما مسئول هستیم که ماهیت جنگهای امپریالیستی را برای ناگاهانی که بدنبال این و یا آن بنیادگر افتاده و به نام "دفاع از کشور خود" جنگ امپریالیستی برای ساختن "خاورمیانه بزرگ" را تائید می کنند را افشا کنیم!

چرا که در این صورت از بروز بسیاری از آسیبهای اجتماعی جلوگیری می شود.

وی با تأکید بر لزوم حمایتهای اجتماعی از خانواده‌ها اظهار کرد: طرح خروج کارگاههای زیر ۱۰ نفر از قانون کار از جمله مواردی بود که موجب دیده نشدن حقوق کارگر شد و در این خانوارها با بیکار شدن و یا از کار افتاده شدن پدر، از آنجایی که اغلب مادران فاقد مهارت‌های

فعالیت می‌کنند.

رضایی فر به تحقیقی بر روی کودکان کار و خیابان اشاره کرد و افروزد: دکتر حسن حسینی در تحقیقی به بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان در کشور پرداخته است که این تحقیق بر روی ۵۰۶ کودک خیابان و ۵ شهر کشور شامل تهران، مشهد، شیراز، اهواز و رشت انجام شده است. وی نصریح کرد: نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین سنی کودکان کار در کشور ۱۳/۲ است و ۹۵ درصد آنها پسر هستند. همچنین ۲۰ درصد ترک تحصیل کرده و ۸۷/۵ درصد به همراه خانواده مهاجرند.

رضایی فر یادآور شد: میانگین مدت مهاجرت این خانواده‌ها ۶/۲۵ سال بوده است و ۸۹ درصد دارای پدر و ۹۶ درصد دارای مادر و ۹۰ درصد دارای سرپناه هستند.

معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به این که دستمزد ۸۸/۲ درصد کودکان روزانه ۵ هزار تومان بود، افروزد: ۶۰ درصد کودکان از شغل خود راضی هستند.

به گفته وی ۹۵ درصد کودکان کار سابقه کیفری نداشته‌اند.

// مراکز حمایت از کودکان کار و خیابان در پارکها ایجاد شود //

// پلیس در کشور باید دارای نگاه مددکاری به کودکان کار و خیابان باشد //

قاسم حسنه، عضو هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار نیز در ادامه با اشاره به این که در طی سالهای اخیر به کودکان کار نگاه حذفی وجود داشته است، افروزد: نگرشاهی جامعه و مسؤولان باید به کودکان کار و خیابان تغییر یابد، چرا که این کودکان باید همانند سایر کودکان از حقوق اجتماعی برابر برخوردار باشند.

به گزارش ایسنا، وی خاطرنشان کرد: به نظر می‌رسد نگاه برخی مسؤولان در خصوص آسیبهای اجتماعی مانند کودکان کار و خیابان، اصلاح چهره اجتماعی شهر است.

حسنه در خصوص ایجاد شرایط سالم کار کودکان اظهار کرد: باید در خصوص کودکان کار نگاه پیشگیرانه و در عین حال درمانی داشته باشیم.

وی خاطرنشان کرد: انجمن حمایت از کودکان کار از سال ۸۱ در خصوص فعالیتهای خود را در زمینه کودکان کار آغاز کرده و ۷۰۰ کودک را تحت حمایت خود قرار داده است.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار، در ادامه پیشنهاد داد که محلی در تمامی پارکها به منظور محلی برای اقامت چند ساعت کودکان کار و استراحت انها و ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی ایجاد شود.

وی خاطرنشان کرد: البته حمایتهای شهرداری برای اختصاص فضای مناسب و همچنین نیروی انتظامی به منظور پیگیری در موارد ارجاعی از سوی مددکار مستقر در کار قابل توجه است.

حسنه با اشاره به محرومیت کودکان افغانه از آموزش و تحصیل افروزد: باید وزارت آموزش و پرورش شرایطی را فراهم کند که تحصیل کودکان افغانی فراهم شود، چرا که در این صورت بخش عمده مشکلات در زمینه ساماندهی کودکان کار و خیابان حل خواهد شد.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار، بر لزوم آموزش پلیس در برخورد با کودکان کار و خیابان تاکید کرد و افروزد: پلیس در کشور باید دارای نگاه مددکاری به کودکان کار و خیابان باشد.

حسنه افزود: تمامی مدارس باید دارای مددکار و روانشناس باشند،

درباره مجازات اعدام: سخنرانی روبسپیر در مجلس مؤسسان، ۱۷۹۱ مه ۳۰

هواداران این رویه کهنه و وحشیانه می‌گویند، مجازات اعدام لازم است و بدون آن، مانع کاملاً موثری در مقابله جنایت وجود ندارد. چه کسی این را به شما گفته است؟ ایا تمام عواملی را که از طریق آنها قانون جزا می‌تواند روی حساسیت‌های انسان اثر بگذارد، به حساب آورده‌اید؟ دریغ! انسان، قبل از مرگ، توان تحمل چه دردهای جسمی و روحی را که ندارد! میل به زندگی در مقابل غرور، که قوی‌ترین تمایلی است که مهار قلب انسان را در دست دارد، تسلیم می‌شود. برای انسان اجتماعی، مخفوق ترین مجازات‌ها همانا هست که حیثیت و شهادت کوینده از جار عمومی است.

وقتی قانون‌گذار می‌تواند از طریق این همه نُقطه حساس و با این همه روش‌های گوناگون، شهروند را تنبیه کند، چگونه می‌تواند گمان کند که چاره‌ای جُز مجازات اعدام ندارد؟

مجازات، نه به منظور آزار دادن محکوم، بلکه برای پیش‌گیری از جرم، یه‌دلیل بیم از مجازات، وضع می‌شود. قانون‌گذاری که اعدام و سایر مجازات‌های بی‌رحمانه را بروز وسائل مُلایم‌تری که در اختیار دارد ترجیح می‌دهد، حسنه سلوک عمومی را زیر پا می‌گذارد و از حساسیت اخلاقی مردمی که برآنان حکومت می‌کند، می‌کاهد؛ بهسان آن آموزگار ناشی که با استفاده مُکرر از تنبیه‌های سخت و خشن، ذهن شاگرد خود را کور و مُشوش می‌کند. سرانجام، این قانون‌گذار با وارد کردن فشار زیادی بر اهرم‌های حکومت، ازها را فرسوده و ضعیف می‌کند. قانون‌گذاری که چنین مجازاتی وضع می‌کند، این اصل حیات بخش را نادیده می‌گیرد که مؤثرترین وسیله برای از بین بُردن جنایت، تطبیق مجازات با طبیعت تمایلات متفاوتی است که آن جنایت را به وجود می‌آورد؛ به عبارت دیگر، آنها را باید از طریق خودشان مجازات کرد. چنین قانون‌گذاری کلیه مفاهیم را درهم می‌آمیزد، تمام روابط را مغلوش می‌کند و علناً هدف قانونِ جزا را نقض می‌کند.

می‌گویند، مجازات مرگ لازم است. اگر چنین است، پس چرا ملت‌های بسیاری توanstه‌اند بدون آن، امورشان را بگذرانند؟ برای کدام تقدیر، این مردمان از همه عاقل‌تر، سعادتمندتر و از ادتر بوده‌اند؟ اگر مجازات مرگ برای پیش‌گیری از جنایات بزرگ، از همه مجازات‌ها مناسب‌تر است، پس می‌باید نزد ملت‌هایی که آن را پذیرفته‌اند و به‌فور از آن استفاده می‌کنند، چنین جنایاتی از همه‌جا کمتر باشد. ولی، دقیقاً وضع بر عکس است. ژاپن را در نظر بگیرید: هیچ‌جا هم جنایت این‌همه زیاد و شکنجه این‌قدر فراوان نیست و هیچ‌جا هم جنایت این‌همه نیست. می‌گویند ژاپنی‌ها می‌خواهند در سُبْعَيَّت، با قوانین وحشیانه‌ای که به آن‌ها تعذی می‌کند و از ارشان می‌دهد، برای کنند. ایا در جمهوری‌های یونان که مجازات‌ها ملایم‌تر بود و مجازات اعدام یا بسیار نادر بود یا اصلاً شناخته شده نبود، جنایت بیش‌تر و فضیلت کم‌تر از کشورهایی بود که قوانین دم در آن‌جاها حریان داشت؟ گمان می‌کنید روم که در ایام عظمتش با قلنون پورسیا مجازات‌های شدید و قوانین سختی را که پادشاهان و حکام دگانه وضع کرده بودند، لغو کرد، بیش‌تر به جرم الوده بود یا در دوران سیلا که آن‌ها را دوباره اجیا کرد و یا تحت حکومت امپراتورها که شدت آن قوانین را به حدی رسانندند که شایسته استبداد پیلداشان بود؟ آیا از زمانی که مستبد حاکم بر روسیه مجازات اعدام را کاملاً مُلغی کرده است - که توگویی می‌خواهد با این عمل انسانی و خردمندانه جنایت نگه‌داشتن میلیون‌ها انسان را زیر یوغ

این خبر به آتن رسید که در شهر آرگس، عده‌ای از شهروندان به مرگ محکوم شده‌اند. مردم آتن به معابد شتافتند تا خدایان را فراخوانند و از ایشان بخواهند آن‌ها را از اندیشه‌هایی چنین قساوت‌امیز و مرگبار بازدارند.

من نه از خدایان بلکه از قانون‌گذاران، که باید مُنادی و ترجمان قوانین جاودانه‌ای باشند که خداوند به ادمیان دیکته می‌کند، می‌خواهم تا از مجموعه قوانین فرانسویان، قوانین دم را که قتل قضائی را روا می‌دارند و مطرود اخلاقیات و قانون اساسی جدید ایشان است، حذف کنند. می‌خواهم به آنان ثابت کنم که مجازات مرگ، اوّلاً ناعادلانه است و ثانیاً شدیدترین مجازات‌ها هم نیست و بسیار بیش‌تر از آن که از جنایات پیش‌گیری کند، موجب افزایش آن‌ها می‌شود.

بیرون از جامعه مدنی، هرگاه دشمنی سرسخت، به‌قصد جان، به من حمله‌ور شود و یا پس از آن که بیست بار او را دفع کردم، باز برای ویران کردن مزرعه‌ای که با دستان خود کشت کرده‌ام یورش اورده، ازان جاکه من جز نیروی فردی خود چیز دیگری نیارم تا در مقابل نیروی او قرار دهم، یا باید خودم نابود شوم، یا او را بکشم؛ و قانون دفاع طبیعی نیز عمل مرا توجیه و تصدیق می‌کند.

ولی در جامعه، که نیروی همگان دربرابر این یک تن مُسلح است، کدام اصل حقوقی می‌تواند جواز اعدام او را صادر کند؟ کدام ضرورت می‌تواند جامعه را از مجازات این کار معاف کند؟ فاتحی که فرمان به کشتار دشمنان اسیرش می‌دهد، وحشی خوانده می‌شود. شخص بالغی که گلُوی کودکی را که می‌تواند او را خلع سلاح و مجازات کند می‌برد، دیوی مخفوف به‌نظر می‌رسد. مُتممی را که جامعه محکوم می‌کند، نهایتاً برای او چیزی جز دشمنی شکست‌خورده و ناتوان نیست و در مقابل او، از یک کودک، در برابر یک آدم بالغ، ضعیف‌تر است.

درنتیجه، این صحنه‌های اعدام که با این‌همه دم و دستگاه، به‌فرمان جامعه ترتیب داده می‌شود، از دیدگاه حقیقت و عدالت، چیزی نیست مگر آدم‌کشی‌هایی کثیف و جنایاتی رسمی که نه از افراد، بلکه از تمام آحاد ملت‌ها، با ظاهری قانونی، سرمی‌زنند.

از قساوت‌امیز و افراطی بودن این قوانین حیرت نکنید؛ این‌ها ثمرة کار تعدادی خودکاره‌اند؛ این‌ها زنجیرهایی هستند که با آن، نوع بشر را ببند می‌کشنند؛ سلاح‌هایی که به‌مدشان، به انقیادش می‌کشنند. این قوانین با خون نوشته شده است. «اعدام شهروند روم مُجاز نیست!» این بود قانونی که مردم وضع کرده بودند. ولی سیلا غلبه کرد و گفت: «همه آنان که علیه من سلاح به‌دست گرفتند، سزاوار مرگ‌اند». اکتاو و شرکای جنایاتش آین قانون را تأیید کردند.

تحت حکومت تیر، ستایش از بُرُتوس جنایتی سزاوار مرگ تلقی می‌شد. کالیگولا کسانی را که در هَتَک حُرمت، تاحد عُریان شدن در مقابل تصویر امپراتور پیش رفته بودند، به مرگ محکوم کرد. پس ازان که استبداد حُرم «سوء‌قصد به سُلطان» را ابداع کرد، که ممکن بود عملی ساده و یا قهرمانانه باشد، دیگر چه کسی جرات می‌کرد فکر کند که این جرم می‌تواند مجازاتی مُلایم‌تر از مرگ داشته باشد، بدون آن که خود در معارض اتهام سوء‌قصد به سُلطان قرار گیرد؟!

هنگامی که فناشیم که زایدۀ وحدت شوم جهل و استبداد است، به‌نوبه خود، جرم «سوء‌قصد به سلطنت الهی» را ابداع کرد و در هذیان گویی‌های خود، نقشه‌انقام ذات خدا را طرح‌ریزی کرد، ایا نمی‌باشد به او نیز خون تقدیم کند و او را دست کم همسطح جانورانی قرار دهد که خود را سایه‌اش می‌دانستند؟

و عزت نفس را ب او بستن، در فرستادن او به قعر گور، به اصطلاح با دستهایی هنوز اغشته به خون تازه جنایت شتاب ورزیدن، به نظر من هراسناک‌ترین شکل قساوت است.

اصلاح و حفظ اخلاق عمومی، این سرچشمۀ هرگونه آزادی و منبع هر نوع سعادت اجتماعی، اولین وظیفه قانون‌گزار است. هنگامی که برای نیل به یک هدف خاص، قانون‌گزار ازاین هدف عام و اساسی فاصله می‌گیرد، مرتکب سنگین‌ترین و زیان‌بارترین خطاهای می‌شود. لذا، قانون باید همواره خالص‌ترین الگوی عدالت و خود را به مردم ارائه دهد. اگر قوانین بهجای قاطعیت قوی، متین و معتدل که باید مشخصه آن‌ها باشد، خشم و انتقام‌جویی را بنشانند، اگر دستور ریختن خون انسانی را بدنه‌دار که می‌توانند آن را حفظ کنند و حق کنارند آن را بزمین بریزنند، اگر این قوانین در نظر مردم عبارت باشند از صحنه‌هایی فجیع و اجسادی مُلْهَّشده از شکنجه، دران صورت، در ذهن شهروندان، مفهوم «عادلانه» و «ناعادلانه» را مشوب می‌کنند؛ در بطن جامعه، موجب رویش

قدرت مطلقه جبران کند - این کشور زیر و رو شده است؟ به ندای عدالت و خرد گوش فرادهید که می‌گوید: قضاوت انسان آنقدر با یقین همراه نیست که جامعه بتواند با تکیه بر آن، انسانی را اعدام کند که توسط انسان‌های دیگری محکوم شده است که خود در معرض خطا هستند.

حتی اگر بتوانید کامل‌ترین نظام قضائی را تصور کنید، حتی اگر بتوانید درستکارترین و با معلومات ترین قضات را بیاید، باز هم احتمال خطا یا پیش‌داوری وجود دارد. چرا امکان جبران آن خطاهای را از خود دریغ می‌دارید؟ چرا خود را از توان دراز کردن دست یاری به‌سوی معصومیت ستمدیده محروم می‌کنید؟ چه سود از تأسف‌های بی‌ثمر و غرامت‌پردازی‌های آندوه‌بار بی‌پرواپی و حشیانه قوانین جزائی شما این تأسف‌ها نشانه‌های آندوه‌بار بی‌پرواپی و حشیانه قوانین جزائی شما هستند. از انسان امکان جبران جرم‌ش را، چه در اثر ندامت و چه با گام نهادن در راه فضیلت، رُبودن، بی‌رحمانه راه هرگونه بازگشت به فضیلت

از خواست‌های انقلابی جنبش توده‌ای در آذربایجان حمایت کنیم

کشورهای خارجی و بدبست گروه‌های اندکی از ناسیونالیستهای ترک (که اغلب برای بی اعتبار کردن مبارزات مردم توسط عوامل اطلاعاتی رژیم سازماندهی می‌شوند) برآه اندخته شده است. در این کاریکاتور منتشره در روزنامه ایران صورت گرفته است! تا بدین وسیله افکار عمومی را فریب داده و تمام خشم و نفرت مردم از نظام حاکم را متوجه یکی دو روزنامه نگار و کاریکاتوریست بکنند. آنها از بیان این واقعیت که برغم تشدید سرکوب و به گیر و بینی که راه اندخته اند، دانشجویان، جوانان، کارگران و ملیت‌های تحت ستم برای بدبست گرفتن سرنوشت خود به پا خواسته اند و سرکوب و کشتار قادر نیست جلوی موج اعتراضات توده‌ای را سد کند، هراس دارند. و اینکه در این میان امپریالیسم آمریکا و متحدین آن و یا ناسیونالیستهای افراطی ملل تحت ستم و یا جناح‌هایی از درون رژیم و هر جریان دیگری ممکن است از مبارزه خلقهای تحت ستم برای حق تعین رونشت خود سوء استفاده بکنند، در حقانیت این مبارزه که جزئی ناپذیر از مبارزه برای حقوق و آزادیهای دموکراتیک و برابری طلبانه است، خلی ایجاد نمی‌کند و این مبارزه خود جزئی از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتتعاج داخلی محسوب می‌گردد.

دانشجویان، کارگران و بطور کلی خلقهای تحت ستم واستثمار باید در مقابل دسایس نیروهای سیاه ارتتعاج و امپریالیسم هشیار بوده و اجازه ندهند مبارزات برحق آنها از محتوای اصلی خود تهی شده و به سوی دشمنی میان اقوام و ملیت‌های مختلف و بیویژه دشمنی با خلق زحمتکش فارس که خود قربانی سیاست‌های ارتتعاجی و انسان‌ستیز رژیم حاکمند، سوق داده شود. رژیم سرکوبگر و صاحبان ثروت وقدرت دشمن آزادی و برابری و دشمن مشترک همه کارگران و زحمتکشان و خلقهای مختلف در ایران هستند.

دیروز دو شنبه اول خداد خیش توده‌های مردم شهرهای تبریز زنجان و ارومیه به بهانه اعتراض به چاپ کاریکاتوری همراه با مطالبی اهانت امیز نسبت به مردم آذربایجان، شروع وامرور نیزادامه یافت. در این تظاهرات بیش از صدهزارنفر در تبریز وده ها هزارنفر در شهرهای ارومیه، زنجان، اردبیل، مراغه و بناب شرکت کردند. در این تظاهرات هاکه با دخالت نیروهای سرکوبگر رژیم به خشونت کشیده شدند، بسیاری از ساختمانهای دولتی و وسائل نقلیه نیروهای سرکوب به آتش کشیده شدند و صد ها نفرخیمی و عده زیادی از جوانان و دانشجویان دستگیر شده اند.

این حرکت اعتراضی توده‌ای بیانگر خشم و انججار توده‌های زحمتکش مردم از سالها ستم واستثمار و وزور و سرکوبی است که توسط مافیای قدرت و ثروت و دولت مذهبی آنها بر مردم روا داشته می‌شود. جنبش توده ای شهرهای آذربایجان برآمد و تبلوری از جنبش کارگران و زحمتکشان سراسر ایران بر علیه ستم ملی، جنسی و طبقاتی است که همواره به جرقه ای نیاز داشت تا شعله ورشود. رژیم جمهوری اسلامی و کسانی که با چنگ انداختن برثروت عمومی کشور و چپاول دست رنج توده های مردم برخ مراد سوار و خون مردم را به شیشه کرده اند، خود مبشر شوونیسم و مروج تحیر و توهین به ملیت‌ها و مذاهب مختلف به منظور دامن زدن به اختلافات و بهره برداری از آن هستند. در تمام طول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی مایشین سرکوب آن علیه مبارزین رفع تبعیض ملی، جنسی و طبقاتی هرگز از حرکت باز نه ایستاده است و سرکوب مبارزات مردم کرد، عرب، بلوج، ترکمن، و آذربایجان و سایر خلقهای زحمتکش ایران و همچنین سرکوب مبارزات زنان بر علیه تبعیض جنسی و قوانین انسان‌ستیز و مبارزه کارگران بر علیه ستم واستثمار و برای کسب حقوق و آزادیهای سیاسی، نمونه‌های بارزی است که روزانه شاهدانیم. خیزش توده‌های مردم آذربایجان که همواره پیش‌تاز مبارزات دموکراتیک و ازادیخواهانه و برابری طلبانه در ایران بوده اند، اگرچه به بهانه توهین و تحیر ملی از سوی روزنامه ای دولتی جرقه خورده است امام‌محصول سالها فشار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که اینکه بحریقی دامن گستر منجر شده است.

دریبی این حرکت توده‌ای اعتراضی مردم آذربایجان، رژیم و جریانات شوونیستی تلاش می‌کنند چنین وانمود کنند که این حرکت توده ای عظیم که یاد آور قیام بیست و نهم بهمن ۵۶ است، به تحریک

از خواستهای انقلابی جنبش توده‌ای... بقیه از صفحه قبل

در مبارزه برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت، مبارزه توامان بر علیه ستم ملی، جنسی و طبقاتی، تبلور مطالبات و مبارزات متحد شماست. و این مطالبات باهم گره خورده است و به همین خاطر جنبش توده ای شماربای حق تعیین سرنوشت وعلیه ستم ملی.. رنگ و محتوائی از ازدیخواهانه و برابری طلبانه بخود میگیرد و با مخالفت دولت و طبقات دارا و مسلط مواجه شده و سرکوب میشود، به «دسايس قدرتهای خارجی» نسبت داده میشود، شعارهای ارجاعی ضد مردم فارس زبان برآه انداخته میشود تا زمینه نفرت و اختلاف بین خلقها را دامن زده و جنبش شمارا سرکوب کنند. آنها جنبش عظیم شمارا همچون سلف خود رژیم شاه، به اقدامات « او باش وابسته به قدرتهای خارجی » ویا به «یک مشت تجزیه طلب و پان تورکیست» نسبت میدهند. با پرده پوشی این واقعیت که در مخالفت و سرکوب جنبش شما هیچ اختلافی بین رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیست هاوطرفداران آنها نیست و نخواهد بود.

دانشجویان ، جوانان ، کارگران و زخمکشان آذربایجان !

رژیم جمهوری اسلامی و افراد و عناصری که از ابیشور ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و ترویجات و تبلیغات شوونیستی شاه و شخ تقدیم میشوند و در حفظ وضعیت موجود منافع اقتصادی و سیاسی کلانی دارند، برآند تا با مقصوقلمداد کردن چند روزنامه نگار، مبارزات و مطالبات

در گرامیداشت ۱۸ تیر

هفت سال از حرکت دانشجوئی و مردمی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ گذشت . هفت سالی که دیو استبداد و خودکامگی سایه سنگین خود را همچنان بر زندگی میلیونها ایرانی گسترده است.

هفت سال از یورش وحشیانه رژیم به دانشگاه ها میگذرد و هنوز تعدادی دانشجویان و سایر مبارزین دستگیر شده در این یورش در اسارات به سر می برند.

در ۱۸ تیر ۷۸ تظاهرات کوی دانشگاه که به سرعت به بیرون از دانشگاه کشیده شد و مورد پشتیبانی مردم قرار گرفت دراندک مدتی به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد و در این مدت هزاران نفر از جوانان ، دانشجویان، بیکاران و کارگران و سایر مردم زحمتکش در همبستگی و اتحاد باهم خشم و از جار خود را از رژیم حاکم اعلام کردند.

تل斐ق خواست ها و مطالبات دانشجویان ، کارگران بیکار و جوانان وزنان در این حرکت تبلوری از خواست عمومی توده های زحمتکش مردم ایران برای تغییراتی بینایین در جامعه بود تغییراتی که نه با توهمندی اصلاحات کذایی، بلکه با سرنگونی رژیم و به زیر کشیدن طبقه پشتیبان آن از قدرت سیاسی و اقتصادی امکانپذیرند . از اینرو در روند این حرکت و با پیوستن مردم و بیویه کارگران بیکار و زنان و جوانان به این حرکت و به موازات رادیکال شدن شعار ها و خواست ها، رفته رفته اختلاف در میان دانشجویان به سمت یک شکاف عمیق سیاسی و طبقاتی سوق یافت

برحق شما را خار و کوچک شمرده و با تشید سرکوب مطوعات گره بزنند. اگر این ترفندها خشی نشوند، از ازدیخواهان و جنبش عظیم شما بیشترین لطمہ را خواهد دید. آذربایجان همواره پرچمدار مبارزه علیه سرکوب و پرچمدار دفاع از آزادی بیان ، اندیشه و قلم بوده است . با خواست آزادی کلیه دستگیرشدگان از جمله روزنامه نگارانی که خود به اشتباه خویش پی برده اند واژشما عذرخواهی نموده اند، توطنه رژیم را خشی کنید .

با طرح خواست ها و مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود، از جمله از ازادی های سیاسی، حق بیان، تشکل تجمع و تحزب و .. پشتیبانی توده های زحمتکش مردم در سراسر ایران را جلب کنید. حق تعیین سرنوشت و بخورداری از حقوق برابر در همه زمینه ها حق مسلم شماست . برای پیروزی بر اهربیمن ارجاع و برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خویش، در محل کار و زندگی خود متشکل شوید و در سطح سراسری با ایجاد انجمنها و شوراهای ایالتی و ولایتی که شکلی تجربه شده در قیام های توده ای آذربایجان است ، سرنوشت مبارزه خود را بدست گیرید و پیروزی بر اهربیمن ارجاع را تسخیل کنید .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران برقراریاد جمهوری
فرداتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم

و نه تنها بین دانشجویان، بلکه میان اصلاح طلبان حکومتی نیز شکاف و اختلاف افتاد. اصلاح طلبان حکومتی و روشنفکران وابسته به این جناح عملا در مهار دامنه جنبش و سرکوب ان متحد شدند. در حالیکه بخش رادیکال دانشجویان بیش از بیش به ماهیت شعارهای دروغین آنها و رهبران فکری خود پی برده و به سمت پیوند با خواست ها، مطالبات و مبارزات رادیکال کارگران و توده های زحمتکش مردم سوق یافتدند. و علیرغم فقدان رهبری متشکل و انقلابی ، هفت روز ارکان رژیم را به لرزه درآورند و تغییرات مهمی را در صفت بنده های سیاسی و طبقاتی بوجود آورند و یا به این صفت بنده ها بویژه در میان دانشجویان شفافیت و صراحت پیشتری بخشیدند. بطوریکه علاوه بر طیف های مختلف جنبش دانشجوئی و اصلاح طلبان حکومتی، اپوزیسیون خارج از کشور نیز از این تغییرات مصون نماند. جریانات مختلفی که خود را دموکرات و ازدیخواه میخوانند و ابتدا از حرکت دانشجویان در حد محکوم کردن توافق روزنامه سلام حمایت میکرند و رادیو ها و رسانه ها و بیویه رادیو های سلطنت طلبان که مرتب فراخوان مقاومت و مبارزه به دانشجویان میدادند با شنیدن شعارها و مطالبات رادیکال آنها از پشتیبانی دانشجویان دست کشیدند و نشاندادند که دموکراسی خواهی آنها دروغی بیش نیست . بدین ترتیب رژیم طی یک هفته تمام تمهدات فربیکارانه و سرکوبگرانه خود را به کاربست و تمام جناح های رژیم متعدد شدند تا این حرکت رادیکال دانشجوئی و مردمی را سرکوب کنند .

درنتیجه هزاران دانشجو و کارگر و مردم کوچه و بازار دستگیر و به شکنجه گاه های وزارت اطلاعات و سپاه ، ارتش و نیروهای انتظامی فرستاده شدند. بطوری که زندانها، بازداشتگاه ها بدليل کمبود جا مساجد و انبارها و کارگاه های خود را نیز مملو از بازداشت شدگان کردند . به حکم دادگاه های فرمایشی تعدادی در زندان ها ماندند و عده ای به اعدام و حبس های سنگین محکوم شدند.

درگرامیداشت ۱۸ تیر

از آن جمله اکبر محمدی، احمد باطی، مهرداد لهراسبی، عباس دلدار، دانشجویان و جوانان آزادیخواهی بودند که به جرم ازادیخواهی به اعدام و سپس با یک درجه تخفیف به ۱۵ سال زندان محکوم شدند. در حال حاضر اکبر محمدی، منوچهر محمدی، مهرداد لهراسبی، عباس دلدار ۴ زندانی کوی دانشگاه همچنان در زندان به سر می برند. و درماه های اخیر عده زیادی از دانشجویان در آذربایجان تهران و سایر نقاط کشور دستگیر و زندانی شده اند.

برغم سرکوبگریهای رژیم، تداوم مبارزات دانشجویان و پیوند آنها با جنبش های اجتماعی دیگر، بویژه جنبش کارگری، جشن زنان و جنبش ملیت های مختلف تخت ستم میروند تاچشم انداز نوینی را در مبارزات دانشجوئی بگشاید. آنچه که برای جنبش دانشجوئی از اهمیت برخوردار است جمعیتی تجربیات گذشته و درس آموزی از آنها بمنظور اتخاذ تدابیر لازم و کاربست آنها در مبارزه است. که ایجاد و ساماندهی پیوند محکم با جنبش کارگری، تلاش آگاه گرانه و سازمانگرانه در جنبش دانشجوئی و سایر جنبش های اجتماعی بویژه تجهیز خود به آگاهی سوسیالیستی و تلاش درجهت سازماندهی حرکت های ضد سرمایه داری و سمت و سودادن انرژی جوانان بدینسو و همراهانگی با این جنبش ها در سایر نقاط جهان از جمله اقداماتی است که پیوند میان جنبش دانشجوئی و جنبش کارگری را هرچه مستحکمتر خواهد کرد.

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

آدرس پستی نشریه

kar-Co
Box 100 63
400 70
SE-GBG Sweden

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت
www.fedayi.org

روابط عمومی

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org



زنده باد سیاست